

## برترین نعمت معنوی

آیت‌الله جوادی‌آملی: درباره رسالت و امامت در قرآن کریم تنها درباره جریان غدیر خم و ولایت امیرمؤمنان، علیه‌السلام، تعبیر منحصر به فرد «اتمام نعمت» آمده است...



آیت‌الله جوادی‌آملی: درباره رسالت و امامت در قرآن کریم تنها درباره جریان غدیر خم و ولایت امیرمؤمنان، علیه‌السلام، تعبیر منحصر به فرد &#171;اتمام نعمت» آمده است: الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی سخن از &#171;انعمت علیکم» نیست بلکه خداوند می‌فرماید: اتممت علیکم نعمتی؛ نعمتم را بر شما تمام کردم؛ یعنی همانطور که نبوت و رسالت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله کامل‌ترین نبوت و رسالت است و پس از آن نبوتی نیست، ولایت و امامت علی و اولاد علی علیهم‌السلام نیز کامل‌ترین ولایت و امامت است و پس از آن امامتی نیست.

از منظر قرآن کریم در غدیر خم که عید بزرگ ولایت است، نعمت‌های معنوی الهی به برترین حد و بالاترین نصاب خود رسید و چون نعمتی برتر از ولایت علی و اولاد علی علیه‌السلام نیست، عید غدیر برترین اعیاد امت اسلامی است و اعتقاد به ولایت تکوینی و تشریعی امامان معصوم علیه‌السلام و باور داشتن وساطت، شفاعت و وسیله بودن آنان از مهم‌ترین برکاتی بوده که نصیب امت اسلامی شده است.

### امامت، تداوم رسالت

خدای سبحان امامت را ادامه رسالت و همتای آن می‌داند. از این‌رو در حادثه جهانی غدیر خم به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: اگر نصب علی‌بن‌ابی‌طالب علی‌علیه‌السلام را به دست خود انجام ندهی و ولایت را تبیین نکنی اصلاً به رسالت الهی عمل نکرده‌ای؛ یعنی رسالت منهای امامت معادل رسالت منهای رسالت است؛ زیرا آنچه اساس رسالت را حفظ می‌کند همان امامت است. بهترین معرف برای عظمت روز غدیر و حادثه جهانی این روز، قرآن و عترت است. چه حادثه‌ای در روز هجدهم‌ماه ذی‌الحجه در سرزمین غدیر رخ داد که این روز را برای ابد عید کرد؟ خدای سبحان در سوره مائده به رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: یا أَیُّهَاالرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَیْكَ مِنَ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ.

گرچه پیامبر دارای مقام نبوت نیز هست، لیکن در این پیام آسمانی رسالت او مطرح است. از این‌رو با خطاب &#171;یا أَیُّهَا النَّبِیُّ» آغاز نشد. گزینش عنوان &#171;رسالت» از یک سو، مجهول آوردن فعل &#171;انزل» که نشانه اهمیت مطلب است از سوی دیگر و نیز انتخاب عنوان &#171;رَبِّک» که نشانه آن است که تو عبد آن ربی و او مولای تو است و تو باید از او اطاعت کنی، از سوی سوم، نشانه اهمیت آن مطلب است.

دو عنوان رسالت و ربوبیت که در این آیه آمده نشانه آن است که از منظر قرآن کریم در غدیر خم که عید بزرگ ولایت است، نعمت‌های معنوی الهی به برترین حد و بالاترین نصاب خود رسیده و چون نعمتی برتر از ولایت علی و اولاد علی علیه‌السلام نیست، عید غدیر برترین اعیاد امت اسلامی است.

رسالت پیامبر و ربوبیت خدا هر دو در آفرینش رویداد جهانی غدیر خم نقش دارد؛ یعنی خدایی که پروردگار بشر است، باید آنها را پروراند و پرورش بشر بدون شریعت و مجری شریعت میسر نیست و تو رساننده این پیامی از این جهت که رسولی و با مردم رابطه داری در اینجا موظفی، نه از آن جهت که نبی هستی.

از این‌رو در آیه کریمه هم &#171;رسالت رسول» مطرح شد و هم &#171;ربوبیت خدا». رسالت رسول اقتضا دارد که وی پیام خدا را به‌درستی دریافت و ابلاغ کند و اگر این پیام را به جوامع انسانی ابلاغ نمی‌کرد گویا هیچ کاری نکرده بود. از این‌رو به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: اگر آنچه را از سوی پروردگارت بر تو نازل شده به مردم ابلاغ نکنی رسالت خدا را ابلاغ نکرده‌ای؛ و این لم تفعل فما بلّغت رسالته. اگر در این آیه می‌فرمود: &#171;إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ» بدین معنا بود که اگر آنچه را نازل کرده‌ام تبلیغ نکردی، همان را تبلیغ نکردی و این همان اتحاد مقدم و تالی و موضوع و محمول است که در قضایا غیرعلمی و بی‌فایده است. هردستوری که خدا به پیامبر می‌دهد اگر پیامبر به آن عمل نکند، آن دستور را عمل نکرده است. ثانیاً نفرمود: &#171;إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رسالتک» یعنی اگر آن پیام الهی را نرساندی رسالت خود را درخصوص آن امر ایفا نکرده‌ای؛ زیرا این جمله نیز گرچه قبح اتحاد مقدم و تالی را ندارد، لیکن قضیه شرطیه سودمندی نیست. این جمله نورانی بدین معناست که تو رسول خدایی و رسالتت به پایان خود نزدیک می‌شود. اکنون اگر امامت و خلافت امیرمؤمنان، علی علیه‌السلام را ابلاغ نکنی اصلاً آن رسالت الهی را ابلاغ نکرده‌ای و دیگر در صف

مرسلان نخواهی بود: و إن لم تفعل فما بلغت رسالته.

رسالت رب در این جمله چون مطلق است و هیچ قیدی ندارد، بدین معناست که در صورت عدم تبیین امامت و نصب امام دیگر سمت رسالت نخواهی داشت و اصلاً به وظیفه و رسالت الهی خود عمل نکرده‌ای؛ زیرا امام و امامت تضمین‌کننده اصل دین است. حاصل اینکه مراد این نیست که اگر رسالت نصب جانشین را نادیده گرفتی، به‌خصوص این رسالت را نرسانده‌ای بلکه مراد این است که اگر رسالت ولایت و خلافت علی علیه السلام را ابلاغ نکردی، رسالتت را هرگز ایفا نکرده‌ای.

وعده صیانت الهی

در ذیل همین آیه فرمود: والله يعصمك من الناس؛ خدا تو را از آسیب مردم حفظ می‌کند. اینکه خدای سبحان فرمود خدا تو را از آسیب مردم مصون نگاه می‌دارد، مراد چه آسیبی است؟ اولاً، روزی که نبی گرامی تنها بود و دشمنان مسلح بودند نترسید و خدای سبحان به وی فرمود: فقاتل في سبيل الله لا تكلف الا نفسك و حرّض المؤمنين على الله أن يكفّ بأس الذين كفروا والله أشدّ بأساً و أشدّ تنكيلاً؛ تو موظفی برای حفظ دین دفاع کنی و [اگر احادی تو را در دفاع و جهاد یاری نکنند] تنها تو مکلفی [در صحنه حضور پیدا کنی و مجاهد نستوه باشی]. مؤمنان را نیز به جهاد ترغیب کن، باشد که خداوند آسیب کسانی را که کفر ورزیده اند از آنان باز دارد و خداست که قدرتش بیشتر و کیفرش سخت‌تر است. رسول گرامی در ردیف معدود مبلغان الهی است که از بشر هراسناک نبود تا بر اثر هراس از مردم در تبلیغ حادثه تاریخی غدیر تسامح کند؛ زیرا به شهادت قرآن کریم آن روزی که همه مسلح بودند و رسول گرامی بی‌سلاح بود از هیچ‌کس هراسی نداشت.

فرار از میدان جنگ که از گناهان کبیره است، از نظر فقهی برای افراد عادی حدی دارد که حد آن در آغاز، مقاومت یک نفر در برابر 10 نفر و پس از تخفیف، مقاومت یک رزمنده در برابر دو نفر بود ولی فرار از میدان جنگ برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله حرام بود و هیچ حد و مرزی نداشت؛ یعنی هرگز پیغمبر مأذون نبود میدان کارزار را ترک و فرار کند، گرچه همه مردم روی زمین دشمن او باشند و علیه او در مصاف شرکت کنند. هم حکم فقهی رسول اکرم صلی الله علیه و آله این بود که در صحنه جنگ حق فرار نداشت و هم سنت و سیرت قطعی آن حضرت این بود که از احدی هراسناک نبود تا فرار کند و صحنه را ترک کند. پس آن روزی که همه مسلح بودند و انبوه دشمن وی را احاطه کرده بود و او تنها و بی‌سلاح بود و تنها امیرمؤمنان علیه السلام یار و یاور وی بود، از احدی نمی‌ترسید.

ثانیا در حجاز آن روز به‌ویژه در اواخر دوران رسالت، یعنی در حجه‌الوداع همه تسلیم شده بودند و حجاز آرام شده بود. نامه رسمی رسول گرامی به امپراتوری ایران و روم نیز رسیده بود. قهراً پیامبری که اصلاً از کسی نمی‌هراسید و آن روزی که تنها بود نیاز به حافظ نداشت و تنها به قدرت غیبی خدای حفیظ تکیه می‌کرد، امروز که بعد از فتح مکه فرمانده کل قوای حجاز است و نامه رسمی برای امپراتوری ایران و روم می‌نگارد از چه می‌ترسد؟ با تشریح فضای حجاز از یک سو و تحلیل فضای جهان معاصر بعد از فتح مکه از سویی دیگر، روشن شده است که پیغمبر از احدی در جنگ نظامی هراسی نداشت. اینکه در بخش پایانی آیه فرمود خدا تو را از مردم حفظ می‌کند، معلوم می‌شود نگرانی پیامبر از خطر نظامی نبود؛ به همان دو شاهدی که یاد شد. عمده خطر سیاسی و جوسازی مردم حجاز بود که مبادا بر اثر ضعف فرهنگی دچار شبهه شوند و بگویند رسول گرامی داعیه رسالت در سر پروراند تا مردم را محکوم خاندان خود کرده، پسرعمو و داماد خود را جانشین خویش کند و امارت بر مردم را میراث و موروث خاندان خود گرداند.

روز نومی‌دی کافران

پیامبر صلی الله علیه و آله روز غدیر از مردم پرسید: آیا به رسالت الهی خود عمل کردم و آیا نسبت به شما اولی و والی هستم؟ حاضران گفتند: آری. آنگاه فرمود: من كنت مولا فلهذا علی مولا. هرکس که من والی و سرپرست اویم علی [علیه‌السلام] والی او است. در این زمینه آیه سوم سوره مبارکه مائده نازل شد و اعلام داشت: اليوم یؤس الذین کفروا من دینکم فلا تخشوهم و اخشون الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الإسلام دیناً؛ امروز کافران از [کارشکنی در] دین شما نومید شدند؛ پس از ایشان مترسید و از من بترسید. امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را برای شما برگزیدم. در این آیه دو بار واژه &#171؛الیوم» آمده است. در قرآن کریم اغلب کلمه &#171؛یوم» و &#171؛یومئذ» درباره معاد است و در این آیه واژه &#171؛یوم» درباره ظهور ولایت و امامت به‌کار رفته است.

قرآن تبیین مطالب مهم را با &#171؛الا» یا &#171؛الیوم» آغاز می‌کند. در بسیاری از آیات که درباره احکام نازل شده خدا نفرمود: &#171؛الیوم» اما در اینگونه موارد، &#171؛الیوم» یعنی امروز خبر مهمی رسیده و آن ولایت است که دوستان بر اثر تولای اولیای حق به کمال و تمام رسیده و شادمانند و دشمنان که طمعشان قطع شده ناامیدند. دشمنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌گفتند: ... نترتبص به ریب المنون؛ ما مرگ پیامبر را انتظار می‌کشیم و با مرگ او، بساطش برچیده می‌شود؛ چون با کتاب و قانون می‌شود مبارزه کرد ولی با رهبر محی و مجری قانون نمی‌شود. در غدیر غم حادثه‌ای اتفاق افتاد که کافران ناامید شدند؛ چنان‌که براساس سوره مبارکه کوثر خدا به پیغمبر چیزی داد که دشمن ناامید شد. پیام سوره کوثر این است که خدا به پیغمبر کوثری داده که مایه بقا و دوام نبوتش

خواهد بود. از این رو به آن حضرت می‌فرماید: إِنَّ شَانِكَ هُوَ الْإِبْتَرِ. [تو ابتر، یعنی بی‌نتیجه و عقیم نیستی] بلکه دشمن تو عقیم و کارش نافرجام است. کسی که کارش بی‌هدف است و به مقصد نمی‌رسد ابتر است.

بارزترین مصداق کوثر وجود مبارک فاطمه علیها السلام است. پس روزی که فاطمه چشم به جهان می‌گشاید و روزی که علی علیه السلام در غدیر خم به خلافت منصوب می‌شود، دوام و بقای دین تضمین می‌شود و دشمن در آن روز ابتر و ناامید است. &#171؛ألیوم» در این آیه که همان &#171؛یوم‌الله» و روز ظهور فیض الهی است؛ یعنی روزی که فیض ویژه الهی تجلی کرده است: ألیوم أكملت لكم دینکم و أتممت علیکم نعمتی و رضیت لكم الإسلام دیناً. روزی که دین ناقص، کامل و نعمت ناتمام، تمام و اسلام خدایسند به مردم معرفی شده است. در روز غدیر، معلم و مفسر قرآن، مدافع دین و حافظ نظام اسلامی و بیت‌المال و مرزهای کشور و بالاخره صاحب دین منصوب شد. پس تنها سخن از &#171؛سوادٌ علی بیاض» و احکامی نوشته شده بر چهره پوست و کاغذ و چوب نیست تا بتوان آن را به بازی گرفت. در روز غدیر والی، امام و خلیفه آمد و کافر بدخواهی که در کمین نشسته بود تا دین و نظام دینی را از ریشه براندازد ناامید شد؛ زیرا فهمید که دین، صاحب، متولی، مجری و مبین دارد. بعد فرمود: فلا تخشوهم؛ دیگر از کافران نترسید؛ زیرا رهبر و والی دارید و از دشمن ناامید هراسی نیست؛ بنابراین امامت و ولایت و رهبری مایه امید مسلمانان و موجب ناامیدی کافران است. در اینجا سخن از مذهب و فرقه خاصی نیست بلکه سخن از اصل اسلام است. اگر امامت و ولایت حفظ شود دین زنده می‌ماند.